

A Study of Motion Verbs in Surah Al-Fath Based on Talmy's Theory

Ali Asvadi¹

Isa Zare Dorniani²

Nastaran Jabbari Asa³

Received: 2024/07/12 • Revised: 2025/02/05 • Accepted: 2025/02/16 • Published online: 2025/04/09



Abstract

Cognitive linguistics opens new avenues in understanding the Quran. To facilitate a better understanding of abstract matters, the Quran utilizes motion verbs in its verses. The linguistic approach to Quranic topics leads to discoveries that are often overlooked in traditional studies. One of these approaches is the study of motion verbs in the Quran based on Leonard Talmy's theory of motion verbs, which provides a deeper insight and a better understanding of Quranic verses. Talmy considers a motion event as a state involving movement and the succession of different spatial locations. This study examines motion verbs in Surah Al-Fath according to Talmy's motion theory using a descriptive-analytical method, analyzing the words with motion and their components. The findings indicate that in Surah Al-Fath, various motion verbs are used to conceptualize abstract

1. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Faculty of Literature, Tehran, Iran (Corresponding Author). asvadi@khu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University, Faculty of Literature, Tehran, Iran. isazaredorniani@khu.ac.ir

3. Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran. nastaran.jabbari.80@gmail.com

* Asvadi, A.; Zare Dorniani, I.; Jabbari Asa, N. (2024). A Study of Motion Verbs in Surah Al-Fath Based on Talmy's Theory. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 6(21), pp. 131-159.
<https://doi.org/10.22081/jqss.2025.69517.1315>

matters such as victory, tranquility, reward, and conflict. The types of motion-related meanings are represented in Surah Al-Fath, with 77% of the motion verbs being transitive, 17% self-contained motion verbs, and 6% static verbs. Among these, transitive directional motion verbs, including *anzal* (sent down) and *adkhul* (enter), dominate and align most closely with the content of Surah Al-Fath, reflecting the greatness and majesty of divine punishments and blessings.

Keywords

The Holy Quran, Surah Al-Fath, Motion Verbs, Talmy's Theory, Cognitive Linguistics.

دراسة الأفعال الحركية في سورة الفتح على ضوء نظرية ليونارد تالمي في اللغويات

علي أسودي^١ عيسى زارع دورنياني^٢ نسترن جباري آسا^٣

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٧/١٢ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٢/٢٥ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٢/١٦ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٤/٠٩

الملخص

تفتح اللسانيات المعرفية أبواباً جديدة في فهم القرآن الكريم، فقد استخدم القرآن الكريم الأفعال الحركية في آياته لفهم الإنسان في علاقته بالأمر الانتزاعية، ويؤدي النهج اللغوي لموضوعات القرآن الكريم إلى الوصول إلى قضايا لم تعالجها الدراسات التقليدية. ومن بين الاتجاهات اللغوية، فإن دراسة الأفعال الحركية في القرآن الكريم تعتمد على نظرية ليونارد تالمي في الأفعال الحركية، مما يؤدي إلى فهم أعمق وفهم أفضل لآيات القرآن الكريم، حيث يعتبر تالمي الحدث الحركي حالة تتضمن حركة وتوالي لمواضع مكانية مختلفة. تتناول هذه الدراسة دراسة الأفعال الحركية في سورة الفتح في ضوء نظرية الحركة للتالمي، مستخدمة المنهج الوصفي التحليلي، وتدرس الكلمات الحركية ومكوناتها الحركية. وتشير النتائج إلى أن سورة الفتح

١. أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة خوارزمي، كلية الآداب، طهران، إيران (المؤلف المسؤول).
asvadi@khu.ac.ir

٢. أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب، جامعة خوارزمي، طهران، إيران.
isazaredorniani@khu.ac.ir

٣. اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب، جامعة خوارزمي، طهران، إيران.
nastaran.jabbari.80@gmail.com

* أسودي، علي؛ زارع دورنياني، عيسى؛ جباري آسا، نسترن. (٢٠٢٤م). دراسة الأفعال الحركية في سورة الفتح على ضوء نظرية ليونارد تالمي في اللغويات، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٦(٢١)، صص ١٣١-١٥٩.
<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.69517.1315>

استخدمت أنواعاً مختلفة من الأفعال الحركية لتصور الأمور الانتزاعية مثل الفتح والسكينة والأجر والشطأ، وتمثلت في سورة الفتح مفاهيم دلالية مختلفة للحركة، حيث تحتوي على ٧٧% من الأفعال الحركية الانتقالية، و١٧% من الأفعال الحركية الشاملة لذاتها، و٦% من الأفعال الساكنة. ولكن في الوقت نفسه فإن الأفعال الانتقالية ذات الحركة الاتجاهية، ومنها الفعلان "أنزل" و"أدخل"، لها نسبة أكبر من الأفعال الحركية الأخرى، ولهذا السبب فإن هذه الأفعال تنسجم تماماً مع مضمون سورة الفتح وتمثل عظمة وجلال العقوبات والنعم الإلهية.

الكلمات الرئيسية

القرآن الكريم، سورة الفتح، الأفعال الحركية، نظرية تالمي، اللسانيات المعرفية.

بررسی افعال حرکتی در سوره فتح براساس نظریه تالمی

علی اسودی^۱ عیسی زارع دورنیانی^۲ نسترن جباری آسا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰



چکیده

زبان‌شناسی شناختی، در فهم قرآن کریم دریچه‌های نوین می‌گشاید. قرآن کریم برای فهم بهتر بشر نسبت به امور انتزاعی، از افعال حرکتی در آیات خود بهره برده است. رویکرد زبان‌شناسانه به موضوعات قرآن کریم، باعث دستیابی به مسائلی می‌شود که در مطالعات سنتی به آنها پرداخته نشده است. از جمله رویکردهای زبان‌شناسانه بررسی افعال حرکتی در قرآن کریم براساس نظریه افعال حرکتی لئونارد تالمی است که به دید عمیق‌تر و درک بهتر آیات قرآن منجر می‌شود. تالمی رویداد حرکتی را حالتی می‌داند که دارای حرکت و توالی موقعیت‌های مکانی مختلف است. پژوهش پیش‌رو، به بررسی افعال حرکتی در سوره فتح براساس نظریه حرکتی تالمی با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته است و واژه‌های دارای حرکت و مؤلفه‌های حرکتی آنها را بررسی می‌کند. یافته‌ها حاکی از این است که در سوره فتح، انواع افعال حرکتی به منظور مفهوم‌سازی امور انتزاعی مثل فتح، سکینه، أجر، شطاً استفاده شده و انواع مفاهیم معنایی حرکت در سوره فتح بازنمایی شده است که سوره فتح دارای ۷۷

۱. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی خوارزمی دانشکده ادبیات دانشگاه خوارزمی، تهران. ایران (نویسنده مسئول).

asvadi@khu.ac.ir

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه خوارزمی، تهران. ایران.

isazaredorniani@khu.ac.ir

۳. زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه خوارزمی، تهران. ایران. nastaran.jabbari.80@gmail.com

* اسودی، علی؛ زارع دورنیانی، عیسی؛ جباری آسا، نسترن. (۱۴۰۳). بررسی افعال حرکتی در سوره فتح براساس نظریه تالمی. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۶(۲۱)، صص ۱۳۱-۱۵۹.

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.69517.1315>

درصد افعال حرکتی انتقالی، ۱۷ درصد افعال حرکت خودشامل و ۶ درصد افعال ایستا است. اما در این میان، افعال حرکتی انتقالی جهت محور از جمله افعال أنزل و أدخل نسبت بیشتری بر دیگر افعال حرکتی دارد و به همین علت، این افعال با محتوای سوره فتح به طور کامل همسویی دارند و نمایانگر بزرگی و عظمت عذاب‌ها و نعمت‌های الهی هستند.

کلیدواژه‌ها

قرآن کریم، سوره فتح، افعال حرکتی، نظریه تالمی، زبان‌شناسی شناختی.

مقدمه

خدای متعال قرآن کریم را برای آگاهی و ایمان بشر بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فر فرستاد. بشر برای فهم بهتر آیات قرآنی، نیاز به دانشی برای تحلیل آن دارد، یکی از انواع مختلف علوم برای تحلیل قرآن کریم، علم زبان‌شناسی شناختی است. در زبان‌شناسی شناختی، زبان وسیله‌ای برای نظم‌بخشی و انتقال اطلاعات است. مفاهیم انتزاعی با به کارگیری از مفاهیم عینی ساماندهی می‌شوند. زبان به ما نشان می‌دهد که مفاهیم انتزاعی براساس مفاهیم عینی درک می‌شوند. «در واقع ساختار قرآن کریم، یکی از مسائلی است که لزوم استفاده از روش‌های نوین را بیشتر نمایان می‌کند» (ابوزید، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

علوم شناختی، یکی از دانش‌ها و مکاتب نوین زبان‌شناسی است که در آن به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن او و تجارب اجتماعی و فیزیکی او پرداخته می‌شود (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳، ص ۷). «زبان‌شناسی علم به دست آوردن شناختی، نظام یافته و قاعده‌مند از موضوع زبان، در ابعاد، سطوح و جنبه‌های مختلف آن است» (حقیقین، ۱۳۹۵، ص ۱۰۴). این دانش، به‌عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای، دارای کاربردهای متعددی در حوزه‌های مختلف علمی است. پیدایش این رویکرد به دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد. در واقع زبان به‌طور مستقیم موقعیت‌های بیرونی را نشان نمی‌دهد، بلکه زبان، مفهوم‌سازی را که توسط ذهن انجام گرفته است، نشان می‌دهد. در زبان‌شناسی شناختی، تعامل با جهان به وسیله ساختارهای اطلاعاتی ذهن انجام می‌گیرد و در این میان به زبان طبیعی به‌عنوان وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات تأکید می‌شود. در این رویکرد، زبان دانشی است که در درک مقولات معنادار در جهان خارج به ما یاری می‌رساند.

چون قرآن کریم به شکل متن نازل شده و اساس متون، چیزی جز زبان نیست، علم زبان‌شناسی شناختی برای مفهوم‌سازی رویدادهای قرآن، مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از مسائلی که در علم زبان‌شناسی شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد حرکت است. در واقع تمام هستی بر پایه حرکت بنا شده و حرکت از جمله مفاهیمی است که برای انسان، قابل فهم و درک است. بررسی رویدادهای حرکتی با نظریه تالمی در سال

۱۹۷۲ آغاز شده است. از دیدگاه وی، افعال حرکتی به افعالی اطلاق می‌شود که دارای حرکت و یا ایستایی بوده و از چهار رویداد اصلی حرکتی، پیکر، زمینه، مسیر و دو رویکرد خارجی یعنی شیوه و سبب تشکیل شده است. تالمی از مقایسه زبان انگلیسی با زبان‌های پیوندی بومی کالیفرنیا، نخستین نظریه خود را در پیوند با افعال حرکتی ارائه کرد. به نگاه تالمی هر رویداد حرکتی متشکل از پیکر (شیء در حال حرکت) یا ایستا است (talmy, 1972: p 257). «طبق نظریه روانشناسی شناختی، افعال حرکتی هنگامی که در معنی حقیقی خود به کار رفته باشند، حرکت فیزیکی را بازنمایی می‌کنند که در مسیری که دارای مبداء، طول مسیر و مقصد است صورت می‌گیرند» (گلفام و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸). تالمی زبان‌ها را بر پایه نوع قالب‌بندی عناصر مفهومی در روساخت، به دو دسته دسته‌بندی می‌کند: فعل‌محور و قمرمحور. در واقع عناصر قمر در فعل، از جنبه مفهومی در ریشه فعل، انجام نشده است و به‌عنوان قمری بر فعل در کنار آن نمایان می‌گردند. (talmy 2000: p 25) در قرآن کریم بسیاری از مفاهیم ذهنی که انسان قادر به درک کامل آنها نیست برای درک بهتر به شکل رویداد حرکتی ذکر شده و از مفاهیم انتزاعی به شکل مفاهیم عینی تعبیر می‌شود. «در واقع یکی از جلوه‌های زیبای قرآن، آن است که از تمامی روش‌ها و ابزارها برای حیات بخشیدن به مفاهیم و حقایق بهره می‌جوید» (محمد قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۸). اهمیت این پژوهش، آشنایی با تعاریف نظریه مرتبط با حرکت براساس نظریه تالمی، استخراج نمونه‌های عینی و تطبیق با آیات قرآن کریم است. در قرآن کریم، حرکت به شکل‌های مختلف، برای به تصویر کشیدن هرآنچه که فهم کامل آن برای انسان دشوار بوده، بیان شده است.

۱. پیشینه پژوهش

کتاب معناشناسی شناختی، اثر علیرضا قائمی‌نیا (۱۳۹۰)، ایشان به فضای ذهن و حرکات خیالی در ساختار معنایی قرآن می‌پردازد، ضمن اینکه تلاش می‌کند تا اصول نقشه شناختی قرآن را ترسیم کند.

یافته‌ها مقاله‌ای با عنوان «افعال حرکتی در قرآن کریم از دیدگاه شناختی بررسی

موردی آتی» (۱۳۹۶) نوشته نادیا دادپور و دیگران، نشان می‌دهد که معنای فعل آتی در سطحی فراتر مطرح می‌شود و معنای انجام کار و سوگند خوردن نیز می‌دهد. فاطمه میرخالقداد و ولی الله حسومی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کارکرد و افعال حرکتی در قرآن با رویکرد شناختی» (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که مفاهیم انتزاعی، برای اینکه برای بشر قابل فهم و درک باشند، در قالب حرکت، مفهوم‌سازی شده است. مفاهیمی مانند، رحمت، حساب، ذکر، یوم و غیره که فاقد مکان فیزیکی هستند، برای درک انسان که در قید مادی محصور است، به شکل استعاری، دارای مکان و حرکت تصویر می‌شوند.

فتحیه فتاحی‌زاده و فاطمه حبیبی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمود رویداد حرکتی فعل ذهب در قرآن کریم»، طرح‌واره حرکت فعل ذهب، را براساس نظریه تالمی در قرآن کریم بررسی کردند. به نظر آنها قرآن برای بیان مفاهیم انتزاعی مرگ، نابودی و نفاق از حوزه مبدا حرکت استفاده می‌کند و فعل ذهب نشان‌دهنده وقوع بسط معنایی در این آیات است.

علی اسودی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تصویرپردازی افعال حرکتی در سوره مبارکه شعراء» (۱۴۰۰) به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم سرشار از توصیفات و تصویرپردازی است و تمامی مطالب همچون توصیف بهشت و جهنم را به زیبایی به تصویر می‌کشد. حرکت در داستان‌های مورد بررسی، موجب شده که مخاطب مانند دانای کل تمام اتفاقات را رصد کند و از سرانجام آنها آگاه شود و خود را در آن صحنه‌ها حاضر و ناظر می‌بیند.

در این پژوهش تلاش شده تا با بررسی افعال حرکتی در سوره فتح، اطلاعات نهفته در افعال بیان شود؛ زیرا درک واژگان و کلمات به کار رفته در سوره فتح، باعث رهایی از سطحی‌نگری به این سوره عظیم‌الشأن و درک معنای کلمات آن می‌شود. در این مقاله تلاش بر آن است پس از طرح مباحث نظری در زمینه افعال حرکتی، به روش تحلیلی به بررسی بیست فعل حرکتی مورد نظر در سوره فتح می‌پردازد.

۲. پرسش‌های پژوهش

- الف) در سوره فتح از چه نوع افعال حرکتی استفاده شده است؟
 ب) پربسامدترین افعال حرکتی در سوره فتح کدام است؟

۳. روش پژوهش

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی ۲۹ فعل حرکتی در سوره فتح به بررسی واژه‌های دارای عنصر حرکت، نوع حرکت آنها و مؤلفه‌های حرکتی این طرح‌واره‌ها می‌پردازد تا یافته‌های آماری به دست آمده از آن نمایانگر طبقه‌بندی رده شناختی تالمی باشد. در میان طرح‌واره‌های موجود در سوره فتح، آن دسته از واژگان حاوی عناصر حرکت که در بردارنده معانی شناختی است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با تبیین معانی شناختی، معانی الفاظ و پنهان آیه‌ها مشخص شده است.

۴. زبان‌شناسی شناختی و نظریه لئونارد تالمی

«زبان‌شناسی شناختی، زبان را به عنوان منبعی از دانش فرد، نسبت به جهان خارج دانسته و آن را بخش اصلی شناخت بشر است می‌انگارد» (از کیا و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳) یکی از عناصر مهم زبان، فعل است. «فعل، در راستای بیان نشاط حرکت رویدادهای زندگی، نقش مهمی در کلام ایفا می‌کند و از طریق ارتباط با سایر عناصر، کامل‌کننده معنای کلام است» (داود، ۲۰۰۲، ص ۳۲). لئونارد تالمی، استاد بازنشسته دانشگاه بوفالو نیویورک است. وی متخصص مطالعه زبان‌های بومی آمریکا و یکی از پیشگامان حوزه زبان‌شناسی شناختی است. دو کتاب معروف او به سوی معناشناسی شناختی و نظام توجه زبان است. به عقیده تالمی، زبان، نظام مفهومی ما را با استفاده از طرح‌واره تصویری که حاصل درک جسمی هستند نشان می‌دهد» (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳، ص ۵۲). بر اساس الگوی حرکت، مفاهیم انتزاعی از کلمات برداشته می‌شود. تالمی در کتاب خود با عنوان به سوی معناشناسی شناختی، معانی شناختی را تعریف می‌کند و در پی فهم آن است که چطور زبان، مفهومی را به کمک تحلیل مجموعه‌ای از عناصر مفهومی خاص مانند فضا، زمان،

مکان و حرکت ساماندهی می‌کند. تالمی معتقد است واژگانی شدن یعنی وابستگی سامان یافته یک جز معنایی با تکواژ (talmy 2000: p 110). رویدادها، اتفاقاتی هستند، که در جهان بیرون رخ می‌دهند و به وسیله افعال مفهوم سازی می‌شوند. رویداد حرکتی، حالتی است که در آن حرکت یا ایستایی وجود دارد؛ این افعال در زبان شناسی شناختی به دو نوع ایستا و پویا تقسیم می‌شوند. افعال ایستا، دارای ثبات هستند و تغییری نمی‌کنند، اما افعال پویا، دارای تحول و تغییر هستند. این رویداد، چهار جز دارد: پیکر، زمینه، مسیر و جزء حرکت. در رویداد حرکتی دو مؤلفه جانبی، شیوه و سبب نیز وجود دارد. «طبق نظر تالمی، مفاهیم در فعل‌های حرکتی تجلی می‌یابد، که به دو گروه فعل محور و قمر محور تقسیم می‌شوند. «در مفهوم سازی جریان حرکتی فعل، مؤلفه‌های جز حرکتی، پیکر، زمینه و مسیر تأثیر بسزایی ایفا می‌کنند» (بهروزی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۵).

یکم پیکر: به نظر تالمی، پیکر موجودیتی دارای قابلیت حرکت است که در رویداد حرکتی، نسبت به زمینه یا حرکت می‌کند، یا تداوم و سکون دارد.

دوم زمینه: زمینه یک چهارچوب ثابت است که با توجه به آن، مسیر، پیکر و مکان تعیین می‌شود. (talmy,2000 p 312)

سوم مسیر: مسیر جهتی است که پیکر با توجه به زمینه می‌پیماید یا اشغال می‌کند (talmy,2000: p 25). مسافتی که پیکر تا مقصد طی می‌کند مسیر است (واعظی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۰). چهارم جز حرکتی: جز حرکتی به رخداد حرکت یا قرار گرفتن در یک مکان اشاره دارد (talmy,2000: p 25) فعل حرکتی یا واژه، جایگزین فعل است که مفهوم حرکت را بدون در نظر گرفتن سایر مؤلفه‌های معنایی، بازنمایی می‌کند (اسودی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۷۵).

پنجم شیوه و سبب: شیوه، طریقه به انجام رسیدن حرکت را در خود نشان می‌دهد؛ رویداد همراه سبب یعنی آنچه که باعث و سبب حرکت می‌شود (گلفام و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵).

ششم قمر (تابع): قمر، وابسته به فعل است و معنای فعل را در خود بیان می‌کند

تالمی، زبان‌ها را در دو گروه مجزای «قمر بنیاد» و «فعل بنیاد» طبقه‌بندی می‌کند. زبان‌های قمر بنیاد، مفاهیم محوری (شیوه و مسیر) در آنها بر روی قمر، بیان می‌شود.

۵. افعال حرکتی و طرح‌واره حرکتی

حرکت، عنصر مهم در حیات موجودات است. حرکت در وجود تمامی موجودات نهادینه شده است. از حرکت در افعال برای نشان‌دادن زنده‌بودن اتفاقات و تصاویر بهره گرفته شده است.

۵-۱. افعال حرکتی ایستا

افعال ایستا، ناظر بر رخدادها یا حالاتی هستند که در هیچ‌یک از مراحل خود، دستخوش تغییر نمی‌شوند؛ برخلاف افعال پویا که اگر رخدادها یا حالاتی را که با آنها بیان می‌شوند، به مراحل مختلف تقسیم کنیم، هر مرحله آن با مرحله‌های قبل تفاوت دارد» (ابوالحسنی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵).

۵-۲. افعال حرکتی پویا

رویدادهایی که در جهان بیرون اتفاق می‌افتد، به وسیله افعال پویا و موقعیت‌های حاوی وضعیت و حالت، عموماً با افعال ایستا، مفهوم‌سازی می‌شوند» (ناظمیان و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۴۶).

۵-۲-۱. افعال حرکتی خودشامل

بازگشت پیکر به جایگاه اولیه خود پس از طی مسیری معین (بهریزی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵). در واقع حرکت خودشامل یا وضعی، حرکتی است که در آن پیکر از یک نقطه شروع به حرکت می‌کند و بعد از طی مسیری به نقطه شروع برمی‌گردد و یا پیکر بدون اینکه مکان اصلی خود را تغییر دهد، متحمل حرکت درجا می‌شود؛ چرخش، لرزش، تکان چرخشی، نوسانی، اتساعی، دورانی، جنیندن‌ها،

پرسه زدن‌ها و ماندن‌ها از این دسته از حرکت‌ها هستند (واعظی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵).

الف) وضعی قدرتی: این فعل، علاوه بر حرکت و موضوعیت، از مولفه قدرت نیز بهره برده است؛ مانند فعل **ضغط** (داود، ۲۰۰۲م، ص ۳۸۴).

ب) وضعی احتکاکی: این افعال، افزون بر شاخص‌های اصلی مثل حرکت، موضع و احتکاک، با شاخص‌های فرعی مانند قدرت، ضعف و آرامش همراه‌اند. در این افعال دو شیء با یکدیگر تماس دارند؛ مانند فعل **حکَّ** (داود، ۲۰۰۲م، ص ۴۱۵).

ج) وضعی لرزشی: این افعال از شاخص‌های فرعی چون قدرت، سرعت، ضعف و حس شادی به وجود آمده‌اند، مانند فعل **ارتعش** (داود، ۲۰۰۲م، ص ۴۳۳).

۵-۲-۲. افعال حرکتی انتقالی

حرکت انتقالی، به صورت انتقال پیکر از نقطه اول به نقطه دوم است (بهریزی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۵) «افعال حرکتی انتقالی، از دو شاخص اساسی حرکت و انتقال تشکیل شده‌اند» (داود، ۲۰۰۲م، ص ۷۰) حرکت انتقالی، حرکتی است که طی آن پیکر از نقطه به نقطه دیگر تغییر مکان می‌دهد، و ذاتاً با شیوه حرکت یا به عبارت دیگر با هم رویدادهای حرکت مرتبط است. حرکت‌های انتقالی، بیشتر بیانگر مسیر حرکت هستند. از انواع حرکت‌های انتقالی می‌توان به حرکت انتقالی شامل بالا به پایین، پایین به بالا، راست به چپ، چپ به راست و چند جهتی اشاره کرد (واعظی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵).

الف) انتقالی مطلق: این افعال، به جز حرکت و انتقال، از شاخص‌های دیگری از جمله گام برداشتن، شادی و دویدن برخوردارند؛ مانند فعل **لعب** (داود، ۲۰۰۲م، ص ۱۱۵).

ب) انتقالی افقی: این افعال، از چهار شاخص اصلی حرکت، انتقال، رفتن و آمدن تشکیل شده‌اند» (داود، ۲۰۰۲م، ص ۱۱۸) اما شاخص‌هایی مانند مدت غیاب، نزدیکی مسافت، سرعت و قدرت را دارا هستند؛ مانند فعل **ذهب**.

ج) انتقالی جهت‌محور: این افعال، از سه شاخص اصلی حرکت، انتقال و جهت‌محور تشکیل گردیده‌اند» (داود، ۲۰۰۲م، ص ۱۷۲) این فعل، به دو محور بالا و پایین تقسیم می‌شود؛ مانند فعل **رفع** (داود، ۲۰۰۲م، ص ۱۹).

د) انتقال قدرتی: این افعال از سه شاخص اصلی حرکت، انتقال و قدرت پدید آمده‌اند» (داود، ۲۰۰۲م، ص ۲۲۸) شاخص‌های دیگری مانند به سمت بالا انداختن و سرعت را نیز با خود همراه کرده‌اند؛ مانند فعل دفع (داود، ۲۰۰۲م، ص ۲۵۲).

مشاهده حرکت توسط انسان، او را قادر می‌سازد تا یک طرح‌واره انتزاعی از حرکت را در ذهن به وجود آورد و برای هر آنچه قادر به حرکت نیست، ویژگی حرکت را در نظر بگیرد. هر حرکتی، ابتدا و انتهای دارد و مسیر، از حد فاصل میان دو نقطه آغاز و پایان برخوردار است. در این شکل، نقطه آغاز و پایان با الف و ب نمایش داده می‌شوند. گذر از نقطه الف به ب، نیازمند گذر از مسیر حرکتی است و رسیدن از نقطه الف به نقطه ب، نیازمند زمانی است که می‌تواند به شکل سریع و یا ضمنی، در طرح‌واره حرکتی مطرح باشد (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۳۷۶). ممکن است گوینده در ابتدا، انتها یا در میان مسیر قرار داشته باشد، این طرح‌واره به سه گروه تقسیم می‌شود: طرح‌واره مبدا، طرح‌واره مسیر و طرح‌واره مقصد. حرکت جلوه‌های گوناگون دارد و ممکن است طرح‌واره‌های متعددی شکل بگیرد. افزون بر این سه طرح‌واره می‌توان طرح‌واره‌های سقوط و صعود (حرکت در مسیر عمودی)، طرح‌واره چرخشی (حرکت دایره‌وار)، طرح‌واره سرعتی و طرح‌واره جهت را نیز مطرح کرد (باقری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹).

۶. سوره فتح و تحلیل عنصر حرکت

این سوره، مدنی و چهل‌وهشتمین سوره قرآن کریم است که ۲۹ آیه دارد و در جز ۲۶ قرآن، صدودوازدهمین سوره است. علت برگزیدن نام فتح برای این سوره، این است که خداوند در ابتدای سوره از پیروزی درخشان سخن می‌گوید؛ «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا؛ ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم.» (فتح، ۱) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۲، ص ۹). محتوای اصلی این سوره در مورد پیروزی مسلمانان پادشاه ایمان و اخلاص هشدار به کافران و مسلمانان و در نهایت جهانی شدن دین خداست. غرض این سوره بیان منتی است که خدای تعالی به رسول خدا نهاده و در این سفر فتحی آشکار نصیبش فرموده

است و نیز متنی که بر مؤمنین همراه وی نهاده و مدح شایانی است که از آنان کرده و وعده جمیلی است که به همه کسانی از ایشان داده که ایمان آورده و عمل صالح کرده‌اند که در دنیا به غنیمت‌های دنیایی و در آخرت به بهشت می‌رساند و مذمت عرب‌های متخلف که رسول خدا خواست آنان را به سوی جنگ حرکت دهد، ولی حاضر نشدند و مذمت مشرکین در اینکه سد راه رسول خدا و همراهان ایشان از وارد شدن به مکه شدند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، صص ۳۷۸-۳۷۹).

ردیف	آیه	تعداد
ایستایی	آیه ۲۵	فعل صد

ردیف	ضربتی	قدرتی	نزولی	صعودی	افقی	چندجهتی	جنبشی
انتقالی	تصیب	انطلق وضع	انزل ارسل یوتی	اخرج استوی	تجری	تقدم - تاخر ادخل - تاخذون اتبع - خلی جعل	یبلغ
شماره آیات	۲۵	۱۵ - ۱۵	۴ - ۸ - ۱۶	۲۹ - ۲۹	۵	۲ - ۲ ۵ - ۱۵ ۲۳ - ۱۵ ۲۶	۲۵

ردیف	آیات	قدرتی	واژگونی	چرخشی
خودشامل	۱ - ۱۲ - ۲۱	فعل فتح	فعل ینقلب	فعل احاط ب

۱۴۵
مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ
بررسی افعال حرکتی در سوره فتح بر اساس نظریه تالمی

۱-۶. فعل ایستا

«الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا كُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ؛ أَنهـا كسانی هستند که کافر شدند و شما را از زیارت مسجد الحرام و رسیدن قربانی هایتان به محل قربانگاه بازداشتند» (فتح، ۲۵).

جزء حرکتی «صدوا» + زمینه

فعل صدّ با حرف عن، به معنای جلوگیری و ممانعت کردن بیان شده است. در واقع فعل صدّ، بازداشتن از انجام حرکت را القا می‌کند. به همین علت در دسته افعال ایستایی توقفی قرار می‌گیرد. جز حرکتی «صدوا» با زمینه «المسجد الحرام» ذکر شده است.

۲-۶. فعل حرکتی خودشامل (وضعی)

«إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا؛ ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم» (فتح، ۱).

جزء حرکتی «فتح» + پیکر و زمینه

فتح در سوره فتح با ساختار اسمی، سه بار و با ساختار فعلی، یکبار آمده و نشان‌دهنده اهمیت مفهوم فتح در این سوره است (محمدزاده، ۱۳۹۹، ص ۹). فتح، در لغت به معنای گشایش سرزمین، حکم بین گروه‌های متخاصم، نصرت و پیروزی آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۶۹) فتح (جزء حرکتی) به معنای گشودن و باز کردن، همراه با زمینه (لک) و پیکر (فتحا مینا) ذکر شده است. حرکت فعل فتح، حرکت وضعی قدرتی است. در اینجا فعل فتح، قدرت را نمایان می‌کند.

«بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا؛ ولی شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز به خانواده‌های خود باز نخواهند گشت» (فتح، ۱۲).

جزء حرکتی «ينقلب» + پیکر

ينقلب از باب انفعال به معنای بازگشتن و واژگون شدن است. فعل يَنْقَلِبُ جز حرکتی است و کلمه «اهلهم» پیکر آن است. در واقع این فعل دارای حرکت

وضعی_واژگونی و بازگشت به نقطه شروع پس از طی مسیر است.

«وَأُخْرَى لَمْ تُقَدِّرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا؛ و نیز غنایم و فتوحات دیگری نصیبان می‌کند که شما توانایی آن را ندارید، ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد و خداوند بر همه چیز تواناست» (فتح، ۲۱).

جزء حرکتی «احاط ب» + پیکر

«فعل احاط به همراه حرف اضافه باء به معنای محاصره کردن، احاطه کردن و حلقه زدن گرد چیزی است» (ولایتی و مشکین‌فام، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸) از این فعل حرکتی، برای نشان دادن علم خداوند بهره برده شده است. خداوند بر هر آنچه که از علم وجود داشته باشد، احاطه دارد. این فعل، دارای حرکت خودشامل (وضعی) چرخشی است و با ضمیر «ها» که پیکر است همراه شده و فعل احاط، پس از طی کردن مسیر مشخص، به جای خود برمی‌گردد.

۳-۶. فعل حرکتی انتقالی

«لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا؛ تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد و حقانیت تو را ثابت کرده و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایتت فرماید» (فتح، ۲).

جزء حرکتی «تقدم» و جزء حرکتی «تأخر»

فعل تقدم از ریشه قدم در باب تفاعل به کار رفته و به معنای جلو افتادن است. فعل تأخر از ریشه آخر در باب تفاعل به کار رفته و به معنای عقب افتادن است. هر دو فعل دارای حرکت انتقالی هستند و پیکر و زمینه در این آیه ذکر نشده است.

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْذَبُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ اوست آن که آرامش را در دل‌های مؤمنان فرو آورد تا ایمانی بر ایمان خویش بیفزایند. و خدای راست لشکرهای آسمان‌ها و زمین، و خدا دانا و با حکمت است» (فتح، ۴).

جزء حرکتی «أنزل» + پیکر

این فعل حرکتی، سه بار در سوره فتح ذکر شده است. «نزل به معنی پایین آمدن از جهت بالا به سوی پایین و به معنای فرود آمدن است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۶۵۷) «حرکت نزولی کارکرد ذهنی دارد، بدین صورت که پیکرها به صورت موجودیت عینیت یافته، مسیر نزولی را به سوی زمینه یعنی زمین و مخلوقات می‌پیمایند» (بهریزی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱) کنشگر فعل انزل در این آیه، خداوند متعال است. جزء حرکتی (انزل) با پیکر (السکینه) و زمینه (قلوب) ذکر شده است و دارای حرکت انتقالی جهت‌محور نزولی (بالا به پایین) است و به معنای فرود آرامش از سوی خدا به سوی دل‌های مومنین است.

«لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا؛ هدف دیگر از آن فتح مبین این بود که مردان و زنان با ایمان را در باغ‌هایی از بهشت وارد کند که نه‌رها از زیر درختانش جاری است؛ درحالی‌که جاودانه در آن می‌مانند و گناهانشان را می‌بخشد و این نزد خدا رستگاری بزرگی است» (فتح، ۵).

جزء حرکتی «أدخل» + پیکر و زمینه

این فعل حرکتی چهار دفعه در سوره فتح ذکر شده است. دخل به معنی داخل شدن است و متضاد آن خارج شدن است. این فعل در باب افعال به کار رفته و معنای آن داخل کردن است. جز حرکتی (أدخل) همراه با پیکر (مومنین و مومنات) و زمینه (جنات) ذکر شده است. فعل أدخل دارای حرکت انتقالی و به معنی حرکت و ورود پیکر به زمینه است. درواقع وارد کردن مومنین و مومنات به بهشت را ترسیم می‌کند.

جزء حرکتی «تجری» + پیکر

این فعل حرکتی دوبار در سوره فتح ذکر شده است. مصدر یجری، جریان است و به معنای حرکت کردن است. جزء حرکتی (تجری) با پیکر (الأنهار) ذکر شده است. فعل تجری دارای حرکت انتقالی و افقی است و امر انتزاعی جاری شدن رود را به

تصویر کشیده است. در واقع جریان رود، همان حرکت رود است.
 «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ به یقین ما تو را گواه بر اعمال آنها و بشارت‌دهنده
 و بیم‌دهنده فرستادیم» (فتح، ۸).

جزء حرکتی «أرسل» + پیکر و زمینه

أرسل، فعل متعدی باب افعال به معنای فرستاد، است. در این آیه با توجه به اینکه
 فاعل أرسل خداوند است و ارسال از بالا به سمت پایین است، پس فعل أرسل دارای
 حرکت انتقالی جهت محور نزولی (بالا به پایین) است. حرکت و ارسال شاهد، مبشر و
 نظیر به سمت تو است. جز حرکتی (أرسل) با پیکر (شاهدا و مبشرا و نذیرا) و زمینه
 (ضمیر كَ) ذکر شده است.

«سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِّتَأْخُذُوا ذُرُوعًا وَنَبَعِجْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا
 كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا
 يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا؛ هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی حرکت کنید متخلفان
 حدیبیه می‌گویند: بگذارید ما هم در پی شما بیانیم آنها می‌خواهند کلام خدا را
 تغییر دهنده بگو: هرگز نباید به دنبال ما بیایید؛ این گونه خداوند از قبل گفته است.
 آنها به زودی می‌گویند شما نسبت به ما جسد می‌ورزید، ولی آنها جز اندکی نمی‌فهمند»
 (فتح، ۱۵).

جزء حرکتی (انطلق)

«حرکت رفتن در این فعل، حرکتی ممتد، سریع همراه با قوت و شدت و همچنین
 ذاتی است به این معنا که فاعل آن، بدون نیاز به نیروی خارجی، قادر به انجام فعل
 است» (ولایتی و مشکین‌فام، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶) در واقع فعل حرکتی انطلق، دارای حرکت انتقالی
 قدرتی است.

جزء حرکتی (تأخذون) + پیکر

مصدر أخذ به معنای گرفتن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۹۸) تأخذون فعلی است
 که برای امور انتزاعی یعنی گرفتن غنیمت‌های بسیار، به کار برده شده است. جز حرکتی

تأخذون) به همراه پیکر آن یعنی مغانم، دارای حرکت انتقالی جهت محور است. انتقال مغانم از نقطه‌ای به نقطه دیگر در مسیر معین.

جزء حرکتی «إِتْبَع» + پیکر

إِتْبَع در باب افتعال از ریشه تبع، به معنای پیگیری و دنبال کردن است. إِتْبَع دارای حرکتی ارادی است و تبعیت، بر پایه بینشی شکل گرفته و این غفلت در قلب آنان نقش بسته و با نیرو و توان آنها قدرت می‌یابد و پیش می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۶). در این آیه جزء حرکتی (إِتْبَع) به همراه پیکر آن (ضمیر ك) به شکل حرکت انتقالی جهت محور ذکر شده است.

«فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمْ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ اگر اطاعت کنید خداوند پاداش نیکی به شما می‌دهد و اگر سرپیچی نمایید، همان‌گونه که در گذشته نیز سرپیچی کردید، شما را با عذاب دردناکی کیفر می‌دهد» (فتح، ۱۶).

جزء حرکتی «يُؤْتِي» + پیکر و زمینه

فعل يُوْتِي از ریشه اُتِي است و مصدر آن اِتِيان می‌باشد «أَتَى إِلَهَ شَيْءٍ بِمَعْنَى سَوَّقَ دَانًا وَآمَدَنَ اسْت» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴) فعل يُوْتِي در این آیه، حرکت انتقال را برای پیکر اجرا به تصویر کشیده است» در این فعل، پیکر به سوی زمینه حرکت می‌کند و در نهایت به مقصد می‌رسد» (میرخالداده و حسومی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۰) فعل حرکتی يُوْتِي، به همراه پیکر (أَجْرًا) و زمینه (ضمیر کم) دارای حرکت انتقالی جهت محور و حرکت نزولی است؛ زیرا پیکر که همان پاداش است، از جانب الله یعنی خدا به سوی زمین یعنی کم (شما) می‌آید.

«سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَكِنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت» (فتح، ۲۳).

جزء حرکتی «خَلَّت» + زمینه

خَلَى به معنی گذشت و ترک کرد است. این فعل دارای حرکت انتقالی جهتی است و زمینه آن قبل است و پیکر در آن ذکر نشده است.

«هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّوهُمْ فَتُصَيِّبُكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛

آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از زیارت مسجد الحرام و رسیدن قربانی هایتان به محل قربانگاه بازداشتند؛ و هرگاه مردان و زنان باایمانی در این میان بدون آگاهی شما زیر دست و پا از بین نمی‌رفتند که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می‌رسید، خداوند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد! هدف این بود که خدا هر کس را می‌خواهد در رحمت خود وارد کند و اگر مؤمنان و کفار در مکه از هم جدا می‌شدند کافران را عذاب دردناکی می‌کردیم» (فتح، ۲۵).

جزء حرکتی «یبلغ» + زمینه

«بلغ» به معنی پایان یافتن یک چیز یا رسیدن به دورترین مقصد یک مکان است و در قرآن کریم، به معنی حرکتی حسی آمده است» (ولایتی و مشکین‌فام، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴) یبلغ حرکت به مقصد (محلّ) است. این فعل دارای حرکت انتقالی و جنبشی است.

جزء حرکتی «تصیب» + زمینه

فعل أصاب، از باب افعال با ریشه صوب است و در کتاب‌های مختلف معادل ینالون بیان شده است. جز حرکتی (تصیب) با زمینه (هم) ذکر شده و دارای حرکت انتقالی ضربتی است. در واقع این فعل شدت حرکت را نشان می‌دهد.

«إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ؛ به خاطر بیاورید هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند» (فتح، ۲۶).

جزء حرکتی (جعل) + زمینه و پیکر

معانی مختلفی برای جعل ذکر شده است؛ از جمله آنها، قراردادادن و گرداندن است. اگر معنای جعل را قراردادادن در نظر بگیریم، جزء حرکتی (جعل) همراه با زمینه (فی قلوبهم) و پیکر (الحمية) ذکر شده است. با در نظر گرفتن معنای آیه، حرکت فعل جعل، حرکت انتقالی جهتی است؛ در واقع به انتقال حمیه بر قلوبهم اشاره دارد.

«مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می دارد» (فتح، ۲۹).

جزء حرکتی «أخرج» + پیکر

«تخرج از ماده خرج، به معنی خارج شدن و متضاد داخل شدن است» (فراهدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۵۹) توضیح معنایی در اینجا، خروج از زمینه است که با عبور از مرز همراه است. جز حرکتی (أخرج) حرکت انتقالی و پویا را به نمایش می گذارد. این فعل دارای حرکت صعودی است و شطأ پیکر به شمار می رود و از زمینه خارج شده است. این فعل حرکتی، خارج کردن جوانه از زیر زمین به سمت بالا را نشان می دهد.

جزء حرکتی «إستوی» + زمینه

سین، واو، یا، سه حرف اصلی این فعل است که بر استقامت و اعتدال میان دو چیز، اشاره دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۱۲) به کارگیری این سه حرف اصلی در باب افتعال، بر معنای بزرگی و بالا رفتن دلالت دارد. (سلیمان الجبور، بی تا، ص ۳) فعل إستوی، بالا رفتن را نمایان می کند و به همراه زمینه (سوقه) ذکر شده است و دارای حرکت انتقالی جهت‌ی صعودی (پایین به بالا) است.

نتیجه گیری

هرآنچه امکان بیان زمان و مکان را داشته باشد، می تواند حرکت را نمایان کند. از جمله عناصر پر کاربرد در قرآن کریم، عنصر حرکت است، که تصاویر را پویاتر نمایان می کند. عنصر حرکت در قرآن کریم، منحصر به نوع خاصی از حرکت نیست، بلکه تنوع ساختاری متعددی دارد. برای اینکه مطالب قرآن برای انسان قابل فهم باشد، خداوند متعال بسیاری از مفاهیم انتزاعی را به شکل حرکت بیان کرده است؛ بنابراین

می‌بینیم که فهم مفاهیم انتزاعی که دارای مکان فیزیکی نیستند، مانند فتح، سکینه، أجر، شطاً و غیر آن، بدون تصور حرکت، دشوار است. یکی از اهداف اصلی پژوهش حاضر، مشخص کردن نوع حرکت افعال بود تا به فهم بهتر ما نسبت به کلام خداوند منجر شود. در واقع نظریه افعال حرکتی لئونارد تالمی در تبیین حرکتی، چهار مولفه اصلی پیکر، جزء حرکتی، مسیر و زمینه است و با رویکرد طرح‌واره تصویری که از زیرشاخه‌های معناشناسی شناختی است، امور ذهنی و انتزاعی را واقعی جلوه می‌دهد. افعال مختلفی که دارای حرکت می‌باشند، در این پژوهش بررسی شده است. در این میان، انواع مختلفی از افعال حرکتی، از جمله حرکت انتقالی (چند جهتی، افقی، صعودی، نزولی، قدرتی، جنبشی و ضربتی) و حرکت خود شامل (چرخشی، واژگونی و قدرتی) یافت می‌شود که نمایانگر مفهوم‌سازی انواع مختلف حرکت در قرآن کریم است. در میان افعال حرکتی به کار رفته در سوره فتح، ۱۲ مرتبه از افعال انتقالی جهتی، ۴ مرتبه از افعال انتقالی نزولی، ۴ مرتبه از افعال انتقالی افقی، ۲ مرتبه از افعال انتقالی صعودی، ۱ مرتبه از فعل انتقالی ضربتی، ۱ مرتبه از فعل انتقالی جنبشی و ۱ مرتبه از فعل انتقالی قدرتی استفاده شده است؛ و همچنین یک مرتبه از فعل وضعی قدرتی، یک مرتبه از فعل وضعی چرخشی، یک مرتبه از فعل وضعی واژگونی و یک مرتبه از فعل ایستای توقفی استفاده شده است که غلبه افعال انتقالی جهت‌محور را نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در افعال حرکتی سوره فتح، بیشترین افعال دارای حرکت انتقالی با ۷۷ درصد، افعال دارای حرکت خودشامل با ۱۷ درصد و افعال ایستا با ۶ درصد هستند. پرتکرارترین افعال حرکتی در این سوره ادخل و أنزل است. علت غلبه افعال حرکتی انتقالی در این سوره را می‌توان با محتوای آن همسو دانست؛ زیرا که این سوره در مورد عذاب‌های گوناگون الهی برای پیمان‌شکنان و متخلفان از فرمان خدا و پیامبرش است که بزرگی و عظمت این عذاب‌ها با افعال حرکتی نشان داده شده است.

فهرست منابع

✽ قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (ج ۳، ۴). قم: مکتبه الإعلام الإسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن کرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۱، چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۳. ابوالحسنی چیمه، زهرا. (۱۳۹۰). نمود انواع واژگانی در افعال فارسی. مجله ادب فارسی دانشگاه تهران. دوره ۱. شماره ۶، صص ۱۰۱-۱۲۰.
۴. ابوزید، نصر حامد. (۱۳۸۰ق). معانی متن پژوهشی در علوم قرآن (مترجم: مرتضی کریمی نیا). تهران: انتشارات طرح نو.
۵. ازکیا، ندا؛ ساسانی، فرهاد؛ افراشی، آریتا. (۱۳۹۴). واژگانی شدگی چهارچوبی برای تبیین فعل غیر ساده حرکتی در زبان فارسی. زبان پژوهی. سال هفتم، شماره ۱۴، صص ۳۱-۵۷.
۶. اسودی، علی. (۱۴۰۰). بررسی تصویرپردازی افعال حرکتی در سوره مبارکه شعراء. فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی. سال ششم، ۴(۲۴)، صص ۱۳۵-۱۵۲.
۷. اسودی، علی؛ مظفری، سوده؛ برزگریش، کبری. (۱۴۰۱). تحلیل شناختی عنصر حرکت در سوره کهف براساس نظریه تالمی. فصلنامه زبان پژوهی. دانشگاه الزهراء، سال چهاردهم، شماره ۴۲، صص ۶۹-۹۵.
۸. باقری، علی اکبر؛ محرابی کالی، منیره. (۱۳۹۲). طرح‌واره چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ. فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی. سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۲۵-۱۴۸.
۹. بهروزی، زهره؛ بلاوی، رسول؛ خضری، علی. (۱۳۹۹). تحلیل کاربست فعل حرکتی أنزل در قرآن بر مبنای نظریه زبان‌شناختی تالمی. مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی. سال هشتم، شماره ۱، صص ۱-۲۴.
۱۰. حقیقین، فریده. (۱۳۹۵). زبان‌شناسی ادیان مذاهب و عرفان، دانشنامه جهان اسلام. شماره ۲۱، صص ۲۲۶-۲۳۹.

۱۱. دادپور، نادیا؛ ابن رسول، سیدمحمدرضا؛ رضایی، حدائق. (۱۳۹۶). افعال الحركة فی القرآن الکریم من واجهة اللسانیات الادراکیة أتی، نموذجاً. مجلة دراسات فی اللغة العربیة و آدابها. السنة الثامنة، العدد السادس و عشرون، صص ۴۳-۶۲.
۱۲. داود، محمد. (۲۰۰۲م). الدلالة والحركة دراسة لأفعال الحركة فی العربیة المعاصرة فی إطار المنهج الحدیثة. قاهره: دار غریب.
۱۳. راسخ مهند، محمد. (۱۳۹۳). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی سمت.
۱۴. سلیمان الجبور، فادی صعود. (بی‌تا). فعل إستوی فی القرآن الکریم. دراسة لغویة عقدیة دلالیة، صص ۱-۹.
۱۵. صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). درآمدی بر معناشناسی. تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۸). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. فتاحی زاده، فتحیه؛ حبیبی، فاطمه. (۱۳۹۹). بازنمود رویداد حرکتی فعل ذهب در قرآن کریم. رویکردی شناختی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال چهارم، شماره ۳، صص ۹۳-۱۱۸.
۱۸. فراهیدی، عبدالرحمان خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین، (ج ۴، چاپ دوم). قم: انتشارات هجرت.
۱۹. قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۰). معناشناسی شناختی قرآن. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. گلفام، ارسلان؛ افراشی، آزیتا و مقدم، غزال. (۱۳۹۲). مفهوم‌سازی حرکت بسیط زبان فارسی رویکردی شناختی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشگاه رازی. سال یکم، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۲۲.
۲۱. محمدزاده، فریده؛ عربی، نسیم؛ معارف، مجید؛ زرسازان، عاطفه. (۱۳۹۹). معناشناسی واژه فتح با تأکید بر سوره فتح. دو فصلنامه کتاب قیم. سال دهم، شماره ۲۳، صص ۷-۲۵.

۲۲. محمدقاسمی، حمید. (۱۳۸۷). جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۷). تفسیر نمونه (ج ۲۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. میرخالقداد، فاطمه؛ حسومی، ولی‌الله. (۱۳۹۷). تحلیل کارکرد افعال حرکتی در قرآن کریم با رویکرد شناختی. مطالعات قرآن و حدیث. شماره ۲۴، صص ۱۰۳-۱۳۳.
۲۵. ناظمیان، هومن؛ اسودی، علی؛ مختاری، الهه. (۱۴۰۱). تحلیل شناختی افعال حرکتی اجرام آسمانی در قرآن کریم براساس نظریه تالمی. پژوهش‌های ادبی قرآنی. دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۳۹-۵۸.
۲۶. واعظی، هنگامه؛ نوعی هاشجین، معراج؛ رضی نژاد، محمد. (۱۳۹۵). بازنمود مفاهیم معنایی در افعال حرکتی زبان ترکی آذری براساس نظریه تالمی. دو فصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی. سال اول، شماره ۲، صص ۱۰۲-۱۲۱.
۲۷. ولایتی، مریم؛ مشکین‌فام، بتول. (۱۳۸۹). نقش عنصر حرکت در حیات بخشی به تصاویر قرآنی و بررسی آن در جزهای ۲۸ و ۲۹ قرآن کریم. تحقیقات علوم قرآن و حدیث. سال هفتم، شماره ۱ صص ۱۰۵-۱۳۸.
28. talmy, leonard 1972, semantic structures, in English and Atsugewi, doctoral dissertation, university of California, Berkeley, USA.
29. talmy, leonard 2000, toward a cognitive semantics, London, Asco typesetters.

References

* The Holy Quran

1. Abolhasani Chimeh, Z. (2011). The Manifestation of Lexical Types in Persian Verbs. *Persian Literature Journal, University of Tehran*, 1(6), 101-120. [In Persian]
2. Abu Zayd, N. H. (2001). *Textual Meaning Research in Quranic Sciences* (M. Karimi-Nia, Trans.). Tehran: Tarh-e-No Publications. [In Arabic]
3. Asoudi, A. (2021). *The Representation of Motion Verbs in Surah Ash-Shu'ara in the Holy Quran*. *Journal of Literary Studies of Islamic Texts*, 6(24), 135-152. [In Arabic]
4. Asvadi, A., Mozafari, S., & Barzegar-Pish, K. (2022). Cognitive Analysis of the Element of Motion in Surah Al-Kahf Based on Talmy's Theory. *Linguistic Research Journal, Alzahra University*, 14(42), 69-95. [In Arabic]
5. Azkia, N., Sasaei, F., & Afrashi, A. (2015). The Lexicalization of the Framework for Explaining Non-Simple Movement Verbs in Persian. *Linguistic Research Journal*, 7(14), 31-57. [In Persian]
6. Baqeri, A. A., & Mehrabi-Kali, M. (2013). Rotational Schema in the Ghazals of Saadi and Hafez. *Scientific Journal of Literary Criticism*, 6(23), 125-148. [In Persian]
7. Behrouzi, Z., Belavi, R., & Khazari, A. (2020). A Cognitive Analysis of the Application of the Motion Verb "Anzal" in the Quran. *Journal of Quranic Literary Studies*, 8(1), 1-24. [In Arabic]
8. Dadpour, N., Ibn Rasoul, S. M. R., & Rezaei, H. (2017). Motion Verbs in the Holy Quran from the Perspective of Cognitive Linguistics: ATB as a Model. *Journal of Arabic Language and Literature Studies*, 8(26), 43-62. [In Arabic]
9. Dawood, M. (2002). *Signification and Movement: A Study of Motion Verbs in Contemporary Arabic within the Modern Approach*. Cairo: Dar Gharib. [In Arabic]

10. Farahidi, A. K. b. A. (1990). *Kitab al-Ayn* (Vol. 4, 2nd ed.). Qom: Hejrat Publications. [In Arabic]
11. Fatahi-Zadeh, F., & Habibi, F. (2020). The Representation of the Motion Event of the Verb 'Dhahaba' in the Holy Quran: A Cognitive Approach. *Research Center for Humanities and Cultural Studies*, 4(3), 93-118. [In Arabic]
12. Gulfam, A., Afarashi, A., & Moghaddam, G. (2013). The Conceptualization of Simple Motion in the Persian Language. A Cognitive Approach. *Journal of Language and Dialects Studies in Western Iran*, Razi University, 1(3), 103-122. [In Persian]
13. Haqbin, F. (2016). Linguistics of Religions, Sects, and Mysticism. *Encyclopedia of the Islamic World*, 21, 226-239. [In Persian]
14. Ibn Faris, A. (1984). *Mu'jam Maqayis al-Lugha* (Vols. 3-4). Qom: Maktabat al-A'lam al-Islami. [In Arabic]
15. Ibn Manzur, M. b. K. (1993). *Lisan al-Arab* (Vol. 11, 3rd ed.). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
16. Makarim Shirazi, N., et al. (2008). *Tafseer Namuneh* (Vol. 22). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]
17. Mir Khaleq Dad, F., & Hosseini, W. A. (2018). Cognitive Analysis of the Function of Motion Verbs in the Quran. *Quran and Hadith Studies*, 24, 103-133. [In Arabic]
18. Mohammad Qasemi, H. (2008). *Aspects of the Art of Image Creation in the Quran*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
19. Mohammadzadeh, F., Arabi, N., Ma'aref, M., & Zar Sazan, A. (2020). Cognitive Semantics of the Word 'Fath' with Emphasis on Surah al-Fath. *Quarterly Journal of Valuable Books*, 10(23), 7-25. [In Persian]
20. Nazemian, H., Asvadi, A., & Mokhtari, E. (2022). Cognitive Analysis of the Motion Verbs of Celestial Bodies in the Quran Based on Talmy's Theory. *Quranic Literary Studies*, 10(4), 39-58. [In Arabic]

21. Qaemania, A. (2011). *Cognitive Semantics of the Quran*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought Publications. [In Persian]
22. Rasekh Mahand, M. (2014). *Introduction to Cognitive Linguistics: Theories and Concepts*. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
23. Safavi, K. (2008). *Introduction to Semantics*. Tehran: Soura Mehr Publications. [In Persian]
24. Sulaiman al-Jabour, F. S. (n.d.). *Fi'l 'Istawa' fi al-Quran al-Karim: Dirasah lughavia Aqdiya Dilalya*, 1-9. [In Arabic]
25. Tabatabai, S. M. H. (1998). *Al-Mizan fi Tafseer al-Quran* (Vol. 18). Qom: Office of Islamic Publications. [In Arabic]
26. Talmy, L. (1972). *Semantic Structures*, in English and Atsugewi, Doctoral Dissertation, University of California, Berkeley, USA. [In English]
27. Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics*. London: Asco Typesetters. [In English]
28. Vaezi, H., Noyi Hashjin, M., & Razi Nejad, M. (2016). The Representation of Semantic Concepts in the Motion Verbs of Azerbaijani Turkish Based on Talmy's Theory. *Journal of Iranian Linguistic Dialects*, 1(2), 102-121. [In Persian]
29. Velayati, M., & Meshkin Fam, B. (2010). The Role of the Motion Element in Revitalizing Quranic Imagery and Its Examination in Quranic Chapters 28 and 29. *Quran and Hadith Science Studies*, 7(1), 105-138. [In Persian]